بسم الله الرحمن الرحیم

عنوان پژوهش:

روش تحصیل ادبیات عرب با محوریت نگاه مقام معظم رهبری روحی الفداه

استادراهنما:

حاج آقا هانی موسی نژاد

محقق:

مهدی رضایی

مرکز آموزشی:

حوزه علمیه علوی قم

سال تحصیلی 98-99

چکیده

حوزه مکانی است برای تحصیل علوم دینی برای رساندن انسان به حدکمال خویش حال یکی از این دروسی که به عنوان مقدمه ی علوم دیگر خوانده می شود ادبیات عرب می باشدکه اگر خوب خوانده نشود موجب کج فهمی متون عمیق دینی می شودما دراین مقاله ابتدا کلیات این علوم ازجمله زیرشاخه های آن را مورد بحث قراردادیم واهداف طلاب را مورد شرح قرار دادیم تا درابتدا با کارهای یک طلبه به درستی شناخت پیداکنیم وبعد نسبت به اهداف به لزوم دسته بندی طلاب پرداخته وموضوع درس خواندن براساس اهداف را توضیح داده ایم تا این مطلب فهمیده شود که هرکس براساس استعداد واهداف خود باید دروس را بخواند وبعد به رابطه ی این علم با علوم اصالی پرداخته ایم ودرکلام آخر نیاز هر سطح به علم ادبیات را شرح داده ایم تا شاید طلاب بتوانند در خواندن این علم به حدنیاز دقت کافی را داشته باشند وبرنامه ی دقیقی را برای تحصیل آن بریزند

کلیدواژه:ادبیات عرب -نحو-صرف-مقام معظم رهبری-طلبه-اهداف-کمیت-کیفیت

مقدمه

برای اینکه بتوانیم دین را عمیق بفهمیم باید با نگاه ژرف به قران و متون دینی نگاه کنیم برای اینکه نگاه عمیق را کسب کنیم باید به یکسری از ابزارها دست یابیم که یکی از آن ابزار ها ادبیات عرب می باشد که نقش مهمی رادر فهم دقیق و عمیق دین دارد وما باید آن را به شکل درست و قوی بخوانیم اما متاسفانه درحوزه این شکل درس خواندن کم رخ می دهد که عوامل مختلفی را دارد که یکی از آنها فهم نادرست از موضوع وبرنامه ی نادرست می باشد .بنده ی حقیر دراین مقاله سعی می کنم با توسل به امام زمان عجل الله تعالی وفرجه الشریف ابتدا به شناخت درست علم ادبیات بپردازم و بعد روش درستی را برای قشرهای متفاوت طلاب با محوریت نگاه مقام معظم رهبری روحی الفداه ودیگر صاحب نظران ارائه بدهم تا طلاب محترم را یک قدم هم که شده به روش صحیح درس خواندن نزدیک کنم.

1-کلیات ادبیات عرب

برای اینکه ما بخواهیم برای یک علمی منهجی را ترسیم کنیم باید در ابتدا با رووس ثمانیه و مکاتب وعلوم زیرشاخه ی آن آشنا شویم که البته بنده به خاطر دسترسی نداشتن به کتب فقط این بخش را ذکر میکنم و اینکه دربخش رؤؤس ثمانیه اصلا کتابی وجودندارد که آن را بررسی کرده باشد.

1-1 علوم زیر شاخه ی ادبیات عرب

این‌که علوم در ادبیات عرب چند دسته‌اند؟ خود محل بحث و مناقشه است.( دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ذیل ماده ادب)

ولی مشهورترین قول، این علوم را به دوازده علم تقسیم می‌کند که عبارتند از: نحو، صرف، عروض، قافیه، لغت، قرض، انشاء، خط، ‌بیان، معانی، محاضرات و اشتقاق.( هاشمی، سید احمد، القواعد الاسلامیه للغه العربیه، هجرت، قم، بی‌تا، ص ۳.)

علم دیگری به نام بدیع وجود دارد که برخی آن را علمی مستقل دانسته و برخی دیگر آن را ذیل علم معانی و بیان قرار داده‌اند. این نکته نیز قابل ذکراست که چهار علم قرض الشعراء، خط، انشاء و محاضرات یا همان تاریخ، فروع در میانند و هشت علم دیگر علوم اصلی ادبی محسوب می‌شوند(مدنی شیرازی، سید علیخان کبیر، الحدائق الندیه فی شرح الصمدیه، هجرت، قم، بی‌تا،ص ۴۵)

2-اهداف و تقسیم بندی طلاب

اشخاص به نسبت استعدادها و علایق خود اهداف مختلفی را در عرصه های مختلف انتخاب می کنند که طلبه ها نیز از این قضیه مستثنی نیستند.طلاب برای اینکه بتوانند طلبه ای درحد طراز انقلاب باشند باید اهداف طلبگی راشناخته وبعد هدف خود را انتخاب کنند وبراساس اهداف خود منهج تحصیلی خود را انتخاب کنند.

2-1اهداف مختلف طلبگی

2-1-1تحقیق

انسان باید در زندگی به سوی کمال وحقیقت خود یعنی توحید حرکت کند که این حرکت نیاز به این دارد که کسی اورا راهنمایی کند واورابه سوی کمال وهدف زندگی اش حرکت دهد.حوزه نهادی می باشد که این وظیفه ی مهم را برعهده ی خوددارد ودراین زمینه نیز علماکارهای باارزشی انجام داده اند اما این کارها بسیار کم می باشند.درحال حاضر حوزه به سوی توحید حرکت نمی کندپس باید درابتدا حوزه خود به سوی توحید حرکت کند تا بتواند این نوع علومی که ازجنس نور می باشندراتولیدکرده وتطور بخشد که جای کار بسیاری دارد.

قال الصادق علیه السلام

تفکر ساعة خیر من عبادة سنة انّما یتذکّر اولواالالباب (مجلسی،محمد باقر،1403،ج2،ص 960)

تاثیر یک ساعت تفکر برای کشف حقایق درنزدیک کردن انسان به خدا از تاثیر یک سال عبادت عادی بیشتر است و البته این نکته را فقط اهل دقت و تعمق متوجه می شوند

بدانید که بدون تحقیق ،بدون نوآوری،بدون ژرف اندیشی ،انسان درهیچ مقوله ای نمی تواند به هدف های بالا دست پیدا کند .اگراین نوآوری نباشد ، نتیجه ،همان یکجا ایستادن ودرجا زدن و با دنیای پیرامون خود به تدریج بیگانه شدن خواهد شد(خامنه ای ، سید علی ،1390،جلد 1،صفحه 506)

2-1-2تالیف و تدوین

یکی از ابزارهایی که طلاب می توانند تحقیقات خود راارائه بدهند ودین مبارک اسلام را ترویج کنند تالیف می باشد که کارهای بسیار خوبی دراین زمینه انجام شده است اما هنوز بسیاری از موضوعات وجوددارد که یا به آن ها پرداخته نشده است مانند موضوعات جدیدی که هرروزه به وجود می آیند ودین اسلام باید به آن هاجواب دهد یا اگر پرداخته شده است بسیار سطحی وکم پرداخته شده است برای مثال درزمینه مهدویت که یکی ازرکن های زندگی انسان درحال حاضر می باشد کارها وموضوعات بسیاری وجودداردکه باید درآن زمینه ها کتاب نوشت ومردم رابامعارف مهدویت آشنا کرد.

قال رسول الله صلی الله علیه و اله ی وسلم

اگر مومنی بمیرد و نوشته ای علمی باقی بگذارد این نوشته نجات بخش او از ناملایمات ابدی است وخداوند دربرابر هر حرفی که نوشته است امکانات ابدی که هفت برابر گسترده تر از دنیاست به او عنایت میکند هرمومنی که ساعتی نزد عالمی ربانی بنشیند واز او علم بیاموزد خداوند به او خطاب به او خطاب میکند که با دوست من همنشین شده ای به عزت و جلالم قسم که بهشت را جای تو قرار خواهم دادواز بخششی که کرده ام هیچ باک ندارم(شیخ حر عاملی ،1409،ج27،ص96)

ما هیچ توصیه نمی کنیم که شما همانطور بنویسید که علامه مجلسی می نوشت اما توصیه میکنیم مثل علامه مجلسی نیاز زمان را درک کنید .....امروز حق الیقین ها و حیات القلوبی دیگر به تناسب نیاز های فکری امروز لازم است.) خامنه ای ، سید علی ،1390،جلد 1،صفحه ،545)

2-1-3تبلیغ

اساس کار طلاب تبلیغ می باشد یعنی اینکه ابتدا معارف عظیم اسلامی راباید به وجودونفس خود ابلاغ کنند ووجودخودرا باآن ها یکی کنند وبعد آن ها را به مردم وتشنگان جهان برسانند درحال حاضر درجهان مردم منتظرهستند که انسان هایی به سوی آن هابرونند وآنهارا هدایت کنندوآنهارابامعارف عمیق الهی آشنا کننداما دراین زمینه نیز درحوزه کمبود وجودداردوباید عالمان عامل بسیاری تربیت شوند وبه سوی عزیزانمان درسراسر جهان بروند ودین اسلام را برای آنها ابلاغ کنند.

قال امیرالمومنین علیه السلام :

وقتی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم میخواست مرابه یمن بفرستدفرمود:علی وقتی میخواهی باکفار جنگ کنی ابتدا سعی کن نظر آن ها را به اسلام جلب کنی که به خداقسم اگریک نفر به دست تو هدایت شودبهره ای که خواهی برد ازکل دنیا بیشتراست وثمرات بعدی آن نیزدائما به تو خواهدرسید

اولین وظیفه ی عالم دینی تبلیغ است وعلم دین برای تبلیغ است. (خامنه ای ، سید علی ،1390،جلد 1،صفحه 391)

مسئله ی تبلیغ یکی از مسائل اساسی درحیات اجتماعی ومخصوص یک دوره نیست .تبلیغ که از آن در قران به بلاغ ،بیان،تبیین واز این قبیل تعبیر شده است یکی از وظایف مقدس ووظیفه انبیاء ،وظیفه ی علما،متفکران ودانایان و مصلحان است.( خامنه ای ، سید علی ،1390،جلد 1،صفحه 391)

2-1-4تدریس

برای اینکه طلاب عالم درحوزه های علمیه پرورش یابد باید مدرسان عالم وعاملی باشد تا طلاب تربیت شوند.

قال رسول الله صلی الله علیه واله

سخت تراز یتیمی کسی که پدرش از دنیا رفته است یتیمی کسی است که دسترسی به امامش ندارد ونمی داند درمشکلات چه باید کند وچه تصمیمی مورد نظر خداوند است؟خوب توجه کنید اگر از شیعیان ما کسی که علوم ومعارف مارامی داند فردی راکه اطلاعی ازدین خود ندارد ودسترسی به ما هم ندارد هدایت کند وراه درست رابه او نشان دهد ومعارف مارا به او بیاموزد باما وهمراه ما درافق های بی نهایت وبرتر خواهدبود

تربیت عالم ومبلغ به بزرگان ومتخصصینی احتیاج داردکه در نقطه ای بنشینند وشاگردان وفضلا وطلاب از انها استفاده کنند(خامنه ای ، سید علی ،1390،جلد 1،صفحه 391)

2-2دسته بندی طلاب

تاسعاً، تقسیم تدریجی طلّاب بر حسب اهداف است. آماری که من دریافت کردم، حدود بیست و سه چهار هزار طلبه را در حوزه نشان میدهد. اگر این آمار را ملاک محاسبه قرار دهیم، از این تعداد، حدود هفت، هشت هزار نفر جزو فضلای بزرگ و علما هستند که در این تقسیم بندی نمیگنجند. این افراد، کسانی هستند که مراحلی را گذرانده‌اند و به مدارج عالی علمی رسیده‌اند. بخش دیگر، کسانی هستند که در جوانی اهل درس خواندن نبودند و حالا هم دیگر وقتش را ندارند.

فرض کنید اگر پانزده هزار طلبه در قم وجود داشته باشد، بر اساس ضابطه‌ی قبلی، حدود هزار نفر از آنها را گزینش کنیم تا فقیه و مجتهد بزرگ تربیت شوند. البته این کار باید در زمان و وقت خودش انجام گیرد. مثلاً یک دوره‌ی بیست ساله را در نظر بگیریم که طبیعتاً هر سال، جمع جدیدی اضافه خواهند شد و جمع دیگری هم خارج خواهند گردید؛ ولی میانگین تقریباً همین بیست سال است. این افراد باید افراد مستعدی باشند که استعداد و شوق فقاهت داشته باشند و اهل انصراف از فقاهت نباشند. باید اینها را گزینش کرد و روی آنها کار ویژه‌ی فقاهتی انجام داد. از بین اینها، مدرّسین و مؤلّفینِ بزرگِ فقه و مراجع تقلید در خواهند آمد. هزار نفر فقیه، کم نیست که این حوزه بتواند در ظرف مدت بیست سال بیرون بدهد. این، خیلی زیاد است.

اگر شما بیست سال یا چهل سال پیش تاکنون را نگاه کنید، متوجّه میشوید هزار فقیه زبده‌ی برجسته‌ی بزرگی که بتوانند دنیای اسلام را از لحاظ فقاهت علمی بپوشانند و هزار نفر متکلّمِ مجتهد در کلام، نیازهای جهان اسلام را تأمین کنند؛ کم نیستند. کسانی که شوق و علاقه دارند، اینها را پیدا کنند. باید به اینها درسِ مخصوص داده شود. اگر لازم است، دوره‌های خارج بروند و یا در دانشگاهها بورسیه شوند و بورس بگیرند.

از این تعداد که بگذریم، در مرحله‌ی بعد، پنج هزار نفر عالم شهری در حدود متوسّط تربیت کنیم. در میان این افراد، مجتهد و قریب الاجتهاد و مجتهد متجزّی هست و آنچه که لازم دارند، تأمین میشود. البته این هم یک دوره‌ی مشخّص خواهد داشت. ممکن است مثلاً یک دوره‌ی بیست ساله لازم داشته باشند. اگر آن دو دسته‌ی اوّل، حدود بیست سال طول میکشد، این دسته‌ی دوم کمتر خواهد بود. همه‌ی اینها قابل برنامه ریزی است.

پنج هزار نفر هم به عنوان مبلّغ و منبری و نویسنده و گوینده‌ی عالِم و فاضل انتخاب شوند و سه هزار نفر هم به منظور تبلیغ در خارج از کشور و در سطح دنیا گزینش شوند. مجموع اینها پانزده هزار نفر میشود. البته، فردا این کار نخواهد شد. اگر ما امروز شروع کنیم، ممکن است پنج سال دیگر بتوانیم چنین تقسیم‌بندیای را بکنیم؛ لیکن حوزه باید به این‌جا برسد و بالاخره هر روز که چنین کاری را انجام ندهیم، دیر است. میدانم که کار پیچیده و دشواری است؛ اما اگر حوزه - نه یک نفر - تصمیم بگیرد، این کار خواهد شد.

)بیانات مقام معظم رهبری،1390،ج1، 619)

این سخنان باارزش را امام خامنه ای در سال 1374 گفته اند اما حوزه ومسئولان در این زمان طولانی کاری دراین زمینه نکرده اند واگرهم کرده باشند بسیار ناچیز می باشد.

هرسال تعدادی فقیه تربیت شوندمشخص می کنید که مثلا ما این مقدار فقیه برای مراکزمان کم داریم که باید تربیت شوند برای هرچندسال فرض کنید هر بیست سال صد نفر فقیه درحد مرجع تقلید با خصوصیاتش لازم داریم که تربیت می شوند تعدادی محقق لازم داریم که تربیت می شوند ودردیگر علوم اسلامی ،درفلسفه ،فیلسوف و درکلام ،متکلم درمسائل دینی وتعمیق وگسترش آن کارو تحقیق می شود.

چون ببیند مسائل ومعارف دینی چیزهایی نیست که ایستا و ابدی باشد چیزهایی بود که سی سال پیش ،بیست سال پیش،برای ما ،مسائل جدیددینی محسوب می شد ولی امروز آنها مسائلی است که دراختیار همه هست ومسائل جدیدتری از دین مطرح است انسان هرروز به چیز جدیدی از دین می رسد یک فقیه ،یک دین شناس،یک آدم که باقران ارتباط دارد معلومات ومعرفتش از دین حد یقف ندارد

همچنان که درفروع فقهی ما براساس نیازها همین طور مرتب فروع جدیدی مطرح می شود وفقها دراین فروع به جزم می رسند درباره ی همه ی مسائل معارفی همین طوراست درکلام همین طور درفلسفه همین طور و درمسائل دیگر همین طوراست(بیانات مقام معظم رهبری ،1390،ج1 ،620)

2-3چرایی دسته بندی طلاب

دین اسلام یک دین پویا می باشد که هر چه انسان از جهت علم ودانش پیشرفت می کند به این اصل مهم می رسد حال دنیا نیز دارد به سمتی می رود که همواره درآن پیشرفت و به وجود آمدن مسائل جدید زیاد وپیچیده به چشم می خورد که بالطبع دین باید درمورد هر یک از اینها نظری داشته باشد تا آن را به سوی هدف الهی هدایت کند.حال وظیفه ی طلاب می باشد که مبانی اسلام درمورد مسائل مختلف را بیرون بکشند وآن رادراختیار جامعه دهند اماامروزه مسائل آنقدر زیاد وعمیق شده است که چاره ای جز تخصصی کار کردن آنها نمی باشد.وهریک از طلاب باید نسبت به استعداد خود خلاهای موجود درجامعه را تا جایی که می تواند باید پرکنندوبرای اینکار طلاب باید درطول تحصیل مقدمات استعداد وعلاقه ی خود رابشناسند وحوزه نیز باید بستری را فراهم کند که طلاب از همدیگر تفکیک شده و هرکدام در یک قسمت متخصصانه کار کنند.

 زيرا تقسيم كار در علوم، هم معلول تكامل علوم است و هم علت آن؛ يعنى علوم تدريجاً رشد مى‏كنند تا مى‏رسند به حدى كه از عهده يك نفر تحقيق در همه مسائل آنها ممكن نيست، ناچار بايد تقسيم بشود و رشته‏هاى تخصصى پيدا شود. پس تقسيم كار و پيدايش رشته‏هاى تخصصى در يك علم، نتيجه و معلول تكامل و پيشرفت آن علم است. و از طرف ديگر با پيدايش رشته‏هاى تخصصى و تقسيم كار و تمركز فكر در مسائل بخصوص آن رشته تخصصى پيشرفت بيشترى پيدا مى‏كنند.

در همه علوم دنيا از طب و رياضيات و حقوق و ادبيات و فلسفه، رشته‏هاى تخصصى پيدا شده و همين جهت آن رشته‏ها را ترقى داده است. (مطهری ،مرتض،1384،ج1 ،ص 183)

نتیجه:طلاب باید اهداف طلبگی خود رابشناسندوبعد براساس استعداد و علایق خود یکی از اهداف راانتخاب کرده وبراساس نیاز اهداف خودبه علوم مختلف بپردازند تا هم نیاز خود رابرطرف کنند ونیز دروقت خود صرفه جویی کنند برای کارهای بسیاری که یک طلبه ی طراز انقلاب باید انجام دهد.

3تحصیل ادبیات عرب

3-1 ارتباط علم ادبیات با علوم اصالی و آلی

ادبیات دردوران معاصرما علم آلی وطریقی است یعنی موضوعیت ندارد وابزاری است بنابراین دانش پژوه این رشته باید ازابتدا به ادبیات به عنوان یک علم ابزاری نگاه کند البته نگاه ابزاری به معنای نگاه تسامحی نسیت بلکه بالعکس چون این علم ابزاری وکاربرد آن دایم اما اشتغال به آن مقطعی است دانش پژوه باید در فراگیری ادبیات دقت کند درفرصت مناسب آنچه لازم است پشت سربگذارد واز آن بگذرد.

(علیدوست ،ابوالقاسم،1387،ج1،ص32)

باید دانست که منشأ نیاز وهدف ازتحصیل ادبیات عرب درحوزه ها از دو جهت است:

1-فهم ودرک صحیح ومطابق با واقع منابع علوم اسلامی (قران وروایات )

2-کسب توان واقتدارعلمی برای فهم معارف اسلامی از منابع معتبر

پیرامون جهت اول این گونه می توان توضیح داد که زبان این منابع الهی ونورانی عربی می باشد ودانشمند اسلامی که می خواهد معارف اسلامی را از این منابع استخراج واستنباط نماید باید قبل ازهرچیز بازبان این منابع دقیقا آشنا باشد بنابراین کلید اولیه ی فتح باب فهم منابع اسلامی ادبیات عرب است

اما درباره ی جهت دوم دومین علت ضرورت تحصیل ادبیات عرب ،همانطور که می دانیم فهمیدن صحیح ودقیق قران وروایات مبتنی برتحصیل تعدادی از علوم است که موجب می شوندتا محصّل علوم اسلامی اقتدار وتسلّط لازم برفهم آن منابع گرانقدررا پیدا کند مثل علم منطق ،اصول فقه و....لکن همانطور که ملاحظه می گردد زبان تدریسی وتعلیمی تمامی این علوم درحوزه های مقدسه ی علمیه ،عربی است بنابراین زبان تحصیل این علوم ایجادکننده ی فهم ،اجتهاد واستنباط درزمینه های مختلف علوم اسلامی وزبان تحصیلی مدینة المعارف علوم اسلامی همگی عربی می باشد بدین جهت اگرکسی تسلّط کافی ودقیق برادبیات عرب نداشته باشد توان درک وفهم علوم مورد تدریس وتحقیق درحوزه را نخواهد داشت ودرنتیجه قدرت فهم قران و روایات را به علت ضعف درادبیات عرب ،دارا نمی گردد هرچند به حسب ظاهر مشغول به تحصیل درحوزه باشد

(بوشهری ،صفایی،1393،ج1،ص32)

3-2چگونگی تحصیل ادبیات عرب به صورت کمی و کیفی

3-2-1کلیات تحصیل مورد نیاز

دوره ی عمومی تحصیل ادبیات عرب

دوره است که تمامی طلاب باهرهدف از تحصیلات حوزوی ضرورت دارد که آن را فراگیرند

اهداف :تسلّط برقواعدعربی ،دستیابی به خلاقیت فهم عبارات عرب وترجمه ی صحیح آن ،مهارت یافتن بر تطبیق قواعد بر متون و مکانیکی عبارت (تجزیه وترکیب)می باشد

نکات تحصیل نظری ادبیات عرب در دوره ی عمومی

1-توجه به هدف یادگیری قواعد وقوانین ادبیات عرب

2-دقت نمودن درقواعد ومطالعه ی عمیق آنها

3-کسب مهارت درموارد اجرا وکیفیت کاربردی کردن قواعد

4-بررسی ومطالعه ی کتابهای تحقیقی و تکمیلی

5-جدیت لازم در فراگیری قواعد وحفظ آن

کیفیت تحصیل عملی ادبیات عرب دردوره ی عمومی(عمده ترین واساسی ترین کار)

1-کاربردی کردن قواعد درشواهد وامثال

2-کاربردی کردن قواعد در متون کتب مورد تحصیل

3-بعد ازاتمام یک کتاب صرفی و نحوی ،زیر نظر استاد شروع به جمله نویسی عربی کند وبعداز سال اول اقدام به انشا نویسی نماید

4-دقت درصحیح خوانی واعراب گذاری کتابهای تحصیلی

5-حاشیه نویسی به زبان عربی برکتابهای تحصیلی

6-دنبال کردن کار مکالمه درسطحی بالاتر

7-تدریس خصوصی

 (ر.ک:صفایی بوشهری ،غلامعلی،1393،ج1،ص 79)

تحصیل تخصصی

دوره ای است که مربوط به حضرات اساتید ومحققین ادبیات عرب در سطح حوزه می باشد

لازم به ذکر است که مراد از تخصص در ادبیات عرب ،اجتهاد در این علم نمی باشد بلکه مراد ما از تخصص در اینجا تسلّط و خلاقیت تعلیلی برقوانین واحکام ادبی وشناخت آرای مختلف دریک موضوع واطلاع کافی بر علل استنباطی احکام ادبی است هرچند با ادامه واستمرا دراین کار همراه بافراگیری مبانی استنباط احکام ادبیات عرب واستقرادرعبارات معتبر درعرصه ی احکام ادبی وکار فنی درحل تعارضات ادلّه اجتهاد ادبیات عرب دور از دسترس نیست(صفایی بوشهری ،غلامعلی،1393،ج1،ص 97)

تحصیل فوق تخصصی

دوره ای است که مربوط به کسانی می باشد که می خواهند در ادبیات مجتهد شوند

3-2-2علوم ادبی

3-2-2-1صرف

سطح مختلف تحصیلی:

 دوره ی عمومی :دراین مرحله شخص باید با معانی صیغ و تحولات کلمه و تغییرهای لفظی آشنا شود

دوره ی تخصصی:

 مر حله ی اول:تحقیق در کتابهای صرفی،مباحثه ی دقیق وتعلیلی کتابهای صرف حوزه،پژوهش وتسلط بر علل ادبی احکام صرف ،آشنایی ابتدایی برمبانی استنباط احکام صرف ،بررسی کتب علم صرف قدیم وجدید

مرحله ی دوم:شناخت پیرامون آرا وادلّه ی آن،تحقیق درعلل تحولات صرفی کلمات،پژوهش واستقرا در کتب صرفی ،بررسی دقیق هیئات واوزان وابنیه و معنای حقیقی آن ،نقد مبانی مطرح گردیده با منطق خاص صرفی (ر.ک: صفایی بوشهری ،غلامعلی،1393،ج1،ص 111)

بررسی تحصیل کمی

براساس معرفی دودوره ی عمومی وتخصصی طلاب باید کتب هایی را براساس آن بخوانند کسانی که فقط دوره ی عمومی را باید بخوانند طلابی اند که میخواهند مبلغ شوند که اینان اگر یک کتابی مانندصرف ساده راخوب بخوانند به هدفشان می رسند

اما کسانی که می خواهند فقیه ،محقق ،مدرّس ،متاّلف شوند باید به صورت تخصصی ادبیات را بخوانند که برای اینکار باید صرف ساده و شرح النظام وشرح الشافیه یا صرف کاربردی آقای کشمیری را به صورت تخصصی بخوانند ودرکنار آن رجوعاتی به کتب منبع نیزداشته باشند

کتب شناسی:دراین بخش کتبی را سطح های مختلف به صورت مختصر اشاره کرده ایم

عمومی:صرف میر،تصریف،صرف ساده،مبادی العربیه،علوم العربیه

تخصصی:شرح الشافیه شیخ رضی،شرح النظام،دراسات فی علم الصرف،العربیه الضحی، الممتع الکبیر فی التصریف،صرف کاربردی عبدالکریم کشمیری

(صفایی بوشهری ،غلامعلی،1393،ج1،ص 117)

3-2-2-2نحو

دوره ی عمومی:دراین دوره طلبه باید اعراب گذاری صحیح وتعلیلی را بتواندانجام دهد و فهم دقیقی ازمعنای کلام وجملات داشته باشد

دوره ی تخصصی:بررسی دقیق وتعلیلی کتب نحوی،تحقیق درشروح،کارفنی درقران وروایات وشواهد نحوی،آشنایی ابتدایی به علم اصول نحو،آشنایی با کیفیت استنباط احکام نحووحل تعارضات ادلّه،شناخت مکاتب نحوی،تدریس مکرروفنی،تحقیق تاریخی درعلم نحوو...

بررسی تحصیل کمی

 شخصی که میخواهدمبلغ شود کافی است که فقط کتبی رامانند بدایة النحووسیوطی رابخواندکفایت می کنداما شخصی که تخصصی کار میکند باید کتبی مانند بدایة النحووسیوطی ومغنی اللبیب راحتما بخواند

کتب شناسی

دوره ی عمومی:بدایةالنحو،هدایة النحو،فوائدالصمدیة،البهجة المرضیة،شرح ابن عقیل

دوره ی تخصصی:حاشیةالصبّان،النحوالوفی،مغنی اللبیب،شرح الکافیة،الکتاب،اوضح المسالک،فوائدالحجتیة،معانی النحوو...

علم بلاغت

دوره ی عمومی:دراین دوره طلبه باید یک دور باکلیّت علم بلاغت آشنا شود

دوره ی تخصصی:تحقیق درشروح وکتابهای بلاغی،کاربرد قواعدبلاغی در آیات وروایات،بررسی دقیق کتابهای بلاغی مختلف،نقدبلاغی عبارات معتبرفارسی وتحلیل علمی دراین باره

بررسی تحصیل کمی

برای طلاب مبلغ خواندن کتابی مانند جواهرالبلاغه کافی می باشد اما کسانی که می خواهند عمیق تروارد مبانی اسلام شوند باید کتبی مانند مطوّل راهمراه حاشیه علامه سید شریف خواند

کتب شناسی

دوره ی عمومی:جواهر البلاغه،مختصرالمعانی،علوم البلاغه

دوره ی تخصصی:المدخل الی دراسة البلاغة العربیة،مطوّل،أطول،سرالفصاحه

درمیان علوم ادبی علم لغت ومکالمه ی عربی برای طلاب بسیار نیاز می باشد اما متاسفانه درحوزه به آن پرداخته نمی شودبنده این مسأله را درفصل آورده ام ودرمورد آن بحث کرده ام

4-نقد منهج فعلی حوزه و پیشنهاد منهج صحیح با محوریت نگاه رهبری

بزرگانی که دررأس شورای عالی حوزه ی علمیّه هستند باید به صحنه ی دنیا وداخل کشور نگاه کنند وببینند چه نیازهایی وجودداردوچگونه می توان این نیازهاراتأمین وافرادی که رفع این نیازهارامی کنند تربیت کرد.(بیانات رهبری،1390،ج1،ص605)

آگاهی اززمان وحقایق علمی وسیاسی جهان ومسلّح شدن به بینش جهانی وبهره وری ازعلوم روزدرحدّلزوم دربرنامه هاموردعنایت شود(بیانات رهبری،1390،ج1،ص605)

مابرای اینکه بخواهیم ازعلوم حوزوی که یادمی گیریم حداکثراستفاده را بکنیم بایدچیزهای دیگری مانند علوم سیاسی واجتماعی وحکومتی و...رافرابگیریم(ر.ک: بیانات رهبری،1390،ج1،ص606)

ما اگرزمان آموزش راکوتاه کنیم دراین مدت چیزهای دیگری هم یادخواهد گرفت ...الان اگربگوییم :طلبه زبان خارجی لازم دارد...می گویند:طلبه وقت ندارد راست هم میگویند واقعاًبااین وضعیت طلبه وقت ندارد ولی اگردروقت صرفه جویی کنیم طلبه می تواند(بیانات رهبری،1390،ج1،ص607)

نکته: یکی ازاصولی که رهبری دارد این است که طلبه ای را مد نظر داردکه درحد طرازانقلاب اسلامی می باشد وباید به نسبت آن انجام وظیفه کند حال دراین دوران طلبه وظایف بسیاری را داردپس باید عمر خودرابه بهترین نحوسپری کند.وابزارهای کار خود رابه صورت جامع کسب بکند

نظام درسی درحوزه باید کوتاه وکارآمدوبه روزشود...بنده به هیچ وجه طرف داررقیق کردن،بی عمق کردن،وبی سوادبارآوردن طلبه نیستم ؛اشتباه نشود من میگویم این دوره ای راکه ما طی می کنیم،می تواند با استفاده ازشیوه های جدید فشرده ترشودمثلا:ادبیاتی راکه ما درمغنی یا مطول می خوانیم ادبیات استدلالی یعنی راهی برای مجتهدشدن درادبیات است وطلبه ی ما این رالازم ندارد...اینکه گفته اند:((درهمه ی مقدمات اجتهاد،اجتهاد لازم است))حرف محکمی نیست ....باید کارآمد،کوتاه وبه روز،درمدت کوتاهی \_یکی ودوسال\_ازدوره ی ادبیات عبورکنند .( بیانات رهبری،1390،ج1،ص607)

من آنچه درباب کتاب درسی به ذهنم می رسد...این است که فرض بفرمایید اول که طلبه باید وارد ادبیات می شودجامع المقدمات وسیوطی ومغنی ومطول رامی خواند...اگرقرارباشداین مجموعه خوب خوانده شود....کسی که اینها راخوب خواند،چه می شد؟مجتهد درصرف ونحوعربی....مقصود این است که آیا ما باخواندن سیوطی ومغنی ومطول می خواهیم درادبیات مجتهد شویم ؟آیا ما چنین چیزی لازم داریم؟آیا کسی که میخواهد درعلوم اسلامی تبحّرپیداکند،لازم است که صرف ونحو عربی مجتهد بشود؟بلاشک لازم نیست...حتی قطعا همه ی آن راهم ،دموقع مراجعه به متون اسلامی برای استنباط،احتیاج ندارم انسان به بعضی از آن ها احتیاج دارد ولی بالاخره آدم باید آماده باشد.(بیانات رهبری،1390،ج1،ص610)

نکته:باید دراین سخن دقت کرد ممکن است بعضی اشکال کنند که مابراساس گفته ی آقا نمیخواهیم مجتهدشویم پس کتب امثال مغنی ومطول را لازم نیست بخوانیم.اما جواب این است که براساس خودکلام رهبری این کتب باید فشرده شوند ودرکوتاه ترین مدت خوانده شونداین کتب مباحث بسیارمهمی داردکه طلبه اگر آنها راندارد درفهم عمیق متون دچارمشکل می شود اما درعین حال این کتب یکسری زوائدداردکه به درد طلبه نمی خوردولی طلبه آن ها رامیخواند وعمرخودرابیهوده تلف می کند براین اساس است که اقا تاکید دارند تحول درکتب رخ دهد.

ادبیات عرب را درظرف یک سال ویک ونیم سال بخوانند واقعا من پیش خودم مطالعه کردم می شود خواند مراد من تسهیل است نه تلخیص.چون گاهی اوقات تلخیص مساوی وبرابر باتسهیل نیست گاهی انسان مطلبی راتلخیص می کند مشکل می شود...همه جا تلخیص ملازم با سهولت نیست.(بیانات رهبری،1390،ج1،ص611)

نکته:یکی از مشکلات فعلی حوزه این است که بدون مبنا کتبی مانند مغنی راخلاصه می کنند که این کتب خلاصه شده بارعلمی بسیار پایینی دارندومباحث مهمی که درکتاب اصلی وجود دارد درآن نمی باشد وحتی بعضی ازمباحث زائد وجوددارددرحالی کلام رهبری این است که کتبی براساس مسائل مهم با رویکرد جدید نوشته شود تا طلبه هم مواد موردنیازخودرابه دست آورد هم برای بسیاری از کارهای دیگری که طلبه ی طراز انقلاب باید بکند راانجام دهد

درس خواندن راجدی بگیرید عزیزان نگویید:چون این برنامه فلان عیب راداردپس برنامه هیچ نه تابرنامه تغییرنکرده است همین برنامه ای که وجوددارد بایدباجدیت دنبال شودبایددرس بخوانیدتاقبل از اتمام دوره سطح توصیه ی من این است:طلابی که مشغول به سطوح هستندتاقبل ازآنکه از سطح خارج شوندبه هیچ کاردیگر غیراز درس نپردازند(بیانات رهبری،1390،ج1،ص631)

آری ما برای اینکه یک طلبه موفق شویم باید دروس مقدمات را به بهترین شکل بخوانیم اما شرایط آموزشی حوزه های علمیه اصلا مطلوب نمی باشد ورهبری عزیز نیز دهه ها قبل این مسائل را تذکر داده اند وحتی منهج هایی راپیشنهادداده اند اما تحولات بسیار کمی رخ داده است وحتی بعضی ازجاها پسرفت داشته ایم حال ما بامحوریت کلام رهبری این موضوع رابررسی ونقدوتحلیل خواهیم کرد

 اصل1:وقتی ما در یک جمعی می باشیم و می خواهیم یکسری مطالعاتی را داشته باشیم عقل انسان می گوید که ابتدا اشتراکات را باهمدیگر جلو برده وبخوانید وبعد هرکس لازم میبیند برخود که درآن زمینه فراتر ازآن بخواندرابه تنهایی یا با جمع کوچکتری که میخواهند این کار راانجام دهند میخواند

اصل2:کسی که می خواهد یک علمی را بخواند ابتدا باید سطح عمومی آن را بخواند وبعد سطح تخصصی آن را البته تخصص پیداکردن فقط براین نیست که یک کتاب اضافه مانندشرح النظام را بخواندبلکه با تمرین درطول سال های درسی و سروکلّه زدن با قران وروایات وکتب سطح بالاتر درآن علم به وجودمی آید تاجایی که طرف می تواند با همین کار بعد چندسال بتواند درآن علم مجتهد شود

صرف:همه ی ما می دانیم که علم صرف یکی از دروسی می باشد که باید به صورت دقیق خوانده شود ودرغیراین صورت طلبه درفهم مطالب بسیاری می ماند این درحالی است که درحوزه صرف فقط درپایه ی اول تدریس می شود پایه ای که شخص تازه وارد حوزه شده است ونسبت به دروس بسیارگنگ می باشد و استادآن درس نیز به انتخاب شخص مورد نظر نمی باشد بلکه انتخابی خود حوزه می باشد.درنتیجه طلبه تا به خود بیاید یک مبحث تمام شده ومبحث دیگری که کاملاًجدید است درمقابل او قرارمی گیردواگراستادآن درس نیز استاد ضعیفی باشد که دیگر نورعلی نور می شود و طلبه نسبت به صرف فقط یک آشناییت کلی پیدا میکندودیگر درهیچ پایه ای صرف خوانده نمی شود

منهج صحیح:براساس سخن مقام معظم رهبری که تاکید دارند خواندن ادبیادت درحوزه باید کوتاه مدت تر شود مانیز نمی گوییم که درپایه های دیگر دوباره صرف بخوانیم بلکه سخن ما این است که ابتدا طلبه باید یک دور مختصراًبا صرف آشنا شود که از گنگی دربیایدوبعد آن را همراه با یک استاد قوی به صورت تفضیلی درحد عمومی درهمان سال اول بخواند.حال این کاررا همه ی طلاب باید انجام دهنداما کسی میخواهد مثلا فیلسوف شود این شخص بعد از اینکه این دوره ی عمومی راپشت سرگذاشت بایدکتب تخصصی دراین علم رامطالعه کندالبته قرار نیست دوره ی تخصصی بلافاصله بعد ازدوره ی عمومی آن باشد بلکه شخص می تواند بعد اینکه تصمیم گرفت که مثلامحقق شودخواندن کتب تخصصی راشروع کند.البته دراین جا نگاه باید همراه بااصل 2گفته شده باشد

نکته:کتاب جدید صرف کاربردی آقای کشمیری کتاب بسیار خوبی می باشد که به نظر بنده حتی میشود به جای صرف ساده بعد ازآشنایی مقدماتی طلاب با این علم با همان شیوه ای که مالِّف کتاب را تالیف کرده است خوانده شود.این کتاب همان کتاب فشرده ی با محتوا درکلام رهبری می باشد وباعث می شودطلاب درکوتاه ترین زمان بالاترین محتوا رابامنهج مطالعه ی صحیح به دست آورند

نحو:خوب علم نحونیز مانند علم صرف مهم می باشد اما به نظر می رسدکه علم نحو بهتراز علم صرف درحوزه خوانده می شود اما باز از مطلوب بسیار فاصله دارد.بنده ابتدا منهج حوزه را شرح می دهم درحوزه ابتدا بدایة ویا هدایه همراه صمدیه خوانده می شودوبعد سراغ سیوطی یاابن عقیل می روند وبعددرسال سوم مغنی رامیخوانند

نقد:اولین نقد همان کلام رهبری است که سیر مطالعاتی نحو طولانی می باشد

ثانیا اینکه حجم کتب بیشتر از تعدادجلسات درسی می باشد درنتیجه هرسال مقدار قابل توجهی ازکتب خوانده نمی شود

ثالثا خلاصه ی کتب سیوطی ومغنی نه تنها نتیجه ای نداردبلکه یکی ازضعف های این تلخیص ها این است که گاهی مسائل مهمی که کاربردی می باشد از آن حذف شده است وموارد زائدی درآن وجودداردو دیگر اینکه گاهی تلخیض رخ داده ویک مبحثی راکاملا ناقص کرده است.وگل سرسبداینها مغنی الاریب می باشد که به نظر متخصصین بسیارضعیف می باشد

رابعا بخشی ازکتاب مغنی خوانده نمی شود وفقط دوباب خوانده می شود این دحالی است قسمتی از این باب ها بسیارکاربردی می باشد

منهج صحیح:بهترین راه حل کلام امام خامنه ای است که باید کتب جدید بارویکرد مطالعاتی جدیدهمراه محتوای قوی تالیف شود. که در کوتاه ترین زمان خوانده شودولی تازمانی که این کار صورت نگرفته است طلبه باید این کتب را به صورت قوی وکامل بخواند.با نگاه وشیوه ای که اساتیدی مانند محمدحسن وکیلی ارائه می دهند.

و............

این مقاله شاید 50درصد کار باشد که به علت کرونا ودسترسی نداشتن به کتب ناقص ماند

نتیجه نهایی

برای مطالعه ی یک علم در ابتدا باید آن علم را به درستی شناخت وبه نسبت اهداف مد نظر آن را با روش مناسب مطالعه کردتا بتوان به اهداف مدنظر در زمان مناسب رسید.

حال براساس این اصل طلبه باید درابتدا هدف خود را به درستی شناسایی کند وبعد ادبیات عرب را به نسبت آن هدف مورد مطالعه قراردهدکه این کار باید به صورت طولی انجام شود تا نتیجه ی مطلوبی را بتوان کسب کرد.

درزمینه ی خواندن کتب مختلف نیز باید هدف رامدنظر داشت وبراساس آن کتب را انتخاب کرد تا به نتیجه ی مطلوب رسید.

منابع ومآخذ:

1)واسطی،شیخ عبدالحمید/راهنمای تحصیل درحوزه های علمیه/انتشارات موسسه راهبردی علوم ومعارف اسلامی/چاپ سوم/بهار1392/ایران مشهد مقدس

2)علیدوست،عبدالحسین/صراط/انتشارات دارالفکر/چاپ اول/1387/ایران قم

3)جمالی مصطفی/فقاهت/ انتشارات دارالفکر/چاپ اول/1396/ایران قم

4)صفایی بوشهری،غلامعلی/روش تحصیل ادبیات عرب/انتشارات والانگار/چاپ اول/1393/ایران قم

5)صفایی حائری ،علی/استاد ودرس/انتشارات لیلة القدر/چاپ چهارم/1397/ایران قم